

ارزیابی تعیین رویکرد سیاسی در نابرابری شهری - ناحیه ای. مطالعه موردی: خراسان شمالی

علی اصغر پیلهور

استادیار و هیات علمی دانشگاه بجنورد
تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۰

چکیده

در چنددهه اخیر، دولت‌ها به منظور تسهیل در امر برنامه‌ریزی توسعه و امکان کنترل بیشتر بر فضای محلی - ناحیه‌ای، سعی بر کوچک سازی فضاها داشته‌اند و در راستای چنین هدفی تقسیمات سیاسی-اداری در فضای ناحیه‌ای و منطقه‌ای صورت گرفته است. قدرت داخلی دولت‌ها، مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و امور سیاسی آنها به شمار می‌رود و در دراز مدت، باعث تغییراتی در سیستم‌های شهری و نظام سلسله مراتب شهری می‌شود. همواره در ایران، بین مرکزیت اداری - سیاسی و تمرکز قدرت و سرمایه رابطه مستقیم وجود داشته است؛ زیرا دولت به‌عنوان عنصر شهری قدرتمند در رشد و توسعه شهری یا به تعبیر بهتر توسعه شهرنشینی و شهرگرایی نقش اساسی داشته و دارد. هدف اصلی این مقاله، ارائه تحلیل رویکرد سیاسی دولت و برخی نتایج آن در شناخت عدم تعادل شهری - ناحیه‌ای استان خراسان شمالی، بعد از گذشت ده سال از زمان تقسیم خراسان است. در این پژوهش، سعی شده است. به‌منظور شناخت نابرابری شهری - ناحیه‌ای از مدل‌های کمی و نرم‌افزارهای آماری استفاده و معیارهای انتخابی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، کالبدی) مورد آزمون قرار گیرد. روش پژوهش از نوع «توصیفی - تحلیلی» است. نتایج پژوهش نشانگر آن است که براساس مدل ضریب تغییرات و تعیین Z شهرستان‌های منطقه، شهرستان بجنورد در ۶ معیار از ۱۱ معیار انتخابی رتبه اول را داراست و مقدار Z آن (۸/۵۷)، فاصله آشکاری باشیروان به عنوان شهرستان دوم استان، (۳/۵۴-) دارد. از این رو نتیجه ارزیابی ناحیه‌ای، بیانگر ارتقایابی شهر بجنورد و تأثیر بیشتر تحولات سیاسی بر پدیده نخست شهری بوده است. این تحلیل با استفاده از مدل رتبه - اندازه به انجام رسیده و به وضوح گویای آن است که بجنورد با کارکرد سیاسی - اداری، مرکزیت خود را تحکیم نموده و تحولاتی ساختاری را در پی داشته است.

واژه‌های کلیدی: رویکرد سیاسی، نابرابری، نخست شهری، خراسان شمالی

مقدمه

و امور سیاسی آنها به شمار می‌رود و در دراز مدت، باعث تغییراتی در سیستم‌های شهری و نظام سلسله مراتب شهری می‌شود. ارزیابی و تحلیل تحولات ساختاری، کارکردی و ارتقایابی (ارتقای سطح سیاسی یک مکان شهری به مرکز سیاسی - اداری ناحیه‌ای) سطوح جغرافیایی ایران نشان می‌دهد این روند در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری ایران، موجب گسترش شهرها و پیدایش مهم‌ترین مسائل نظام اجتماعی و اقتصادی شده است (پیلهور^۲، ۲۰۰۷: ۴۳۸). در تبیین و تحلیل عوامل مؤثر در جریان پیدایش تحولات ساختاری، همواره نقش دولت و حکومت پررنگ‌تر

سیاست شهرنشینی و شهرگرایی دولت‌ها و کارکرد ایدئولوژی حاکم بر سیاست شهری، به تشکیل سیستم‌های مختلف شهری و سلسله مراتبی می‌انجامد. ایدئولوژی حاکم و سیاست حکومتی، مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری سلسله مراتب شهری شناخته می‌شود؛ پس در هر سیستم اقتصادی، سیستم شهری و سلسله مراتبی منطبق با آن ایجاد می‌گردد (شکوئی، ۱۳۸۵: ۳۳۹-۳۳۸). قدرت داخلی دولت‌ها، مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری‌های سیاسی

جلوه کرده است (علی اکبری و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۱). همواره در ایران، بین مرکزیت اداری - سیاسی و تمرکز قدرت و سرمایه رابطه مستقیم وجود داشته است؛ زیرا دولت به عنوان عنصر شهری قدرتمند در رشد و توسعه شهری یاب به تعبیر بهتر توسعه شهرنشینی و شهرگرایی نقش اساسی داشته و دارد، به عبارت دیگر توسعه شهری در ایران توسط دولت پی ریزی و مهندسی شده است (رضویان، ۱۳۸۱: ۴۶). در این جریان ساختار مکان‌های شهری متحول و کارکرد آنها دگرگون می‌شوند. در چند دهه اخیر، به منظور تسهیل در امر برنامه‌ریزی و امکان کنترل بیشتر و مدیریت بهتر بر فضای محلی - ناحیه‌ای، دولت‌ها سعی بر کوچک سازی فضاها داشته‌اند و در راستای چنین هدفی، تقسیمات اداری - سیاسی در فضای ناحیه‌ای و منطقه‌ای صورت گرفته است. بخشی از تحولات و تغییرات ساختاری و کارکردی مورد اشاره، در حوزه سرزمینی خراسان شمالی نمود یافته است. یکی از اقدامات دولت در اجرای طرح تقسیمات کشوری، تقسیم خراسان و سازماندهی سیاسی شرق و شمال شرق ایران بوده است. ظهور استان خراسان شمالی و تأثیرپذیری از این رویکرد سیاسی، ضمن تمرکزگرایی به نابرابری‌ها نیز دامن زده است. این پژوهش در جهت تحلیل رویکرد سیاسی و برخی نتایج آن در شناخت عدم تعادل شهری - ناحیه‌ای ارائه شده است. در واقع، نگاه دولت به خراسان شمالی و مرکزیت‌یابی شهر بجنورد، موجب قدرت یافتن بجنورد به عنوان نخست شهری و ایجاد فاصله (سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی) آن با دیگر شهرهای استان و گسترش نفوذ (اداری - مالی، اقتصادی و...) به دیگر شهرستان‌های استان شده است. از سوی دیگر تحولات سیاسی و طرح تقسیمات سیاسی - اداری، نقش مهمی در عدم تعادل در عرضه و تقاضای ساختارهای مختلف شهری (عرضه و تقاضا در زمین و مسکن، اشتغال، خدمات شهری و...) و در نتیجه پیدایش نابرابری‌های ناشی از رویکرد سیاسی دولت در تمرکزگرایی و عدم تعادل در سلسله مراتب جمعیت شهری و تقویت پدیده نخست شهری در خراسان شمالی شده است. پژوهش حاضر

باهداف شناخت نابرابری شهری - ناحیه‌ای در سطح استان خراسان شمالی به کمک مدل‌ها و فنون آماری و تعیین میزان برخورداری شهرستان و شهر بجنورد از مواهب رویکرد سیاسی دولت در تقسیم خراسان ارائه شده است. همچنین با بهره‌گیری از مدل ضریب تغییرات و مدل رتبه - اندازه به بررسی و تحلیل روند تمرکزگرایی و پیدایش نابرابری شهری - ناحیه‌ای بعد از گذشت ده سال از تقسیم خراسان پرداخته است.

پیشینه تحقیق

یکی از تجارب ارزنده پیشینه تحقیقات خارجی مرتبط با این پژوهش، بررسی تحلیلی - تبیینی لورا کولبی در کار ارزشمند ایشان بنام "هلسنیکی از مرکز ناحیه به سوی مرکز ملی" است. اهمیت این پژوهش در بررسی و تحلیل شرایط شهر هلسنیکی (پایتخت فنلاند) در جریان ارتقایابی از مرکزیت ناحیه‌ای به مرکزیت ملی با تأثیرپذیری از نقش دولت است. بنابراین، دولت مرکزی در پیدایش شهر و ایجاد ساختارها و تغییر کارکردی آن نقش اساسی داشته و این رویکرد منجر به سرمایه‌گذاری‌های گسترده و ایجاد ساختارهای ملی مانند مجلس سنا و اهمیت یابی موقعیت مکانی و رشد و توسعه شهر و پیرامون شده است (کولبی^۱، ۲۰۰۴: ۷۴). در این زمینه "ولفگانگ سون" در ارتباط با ردیابی نقش دولت در تغییرات ساختاری - کارکردی ناحیه برلین، تحقیقات جدیدی انجام داده است. وی معتقد است هیچ ناحیه‌ای در قرن بیستم مانند برلین دچار تغییرات ناشی از رویکردهای سیاسی دولت نبوده است. نقش آفرینی جدید این ناحیه، موجب پیدایش ساختارهای جدید و تغییر نقش آن با محوریت کارکرد ملی شده است که نقش‌پذیری سیاسی - اداری و شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های دولتی موجب ساخت ساختمان‌های مهم دولتی و ایجاد زیرساخت‌های لازم در ناحیه به خصوص شهر برلین و تفاوت‌های ناحیه برلین گردید (سونی^۲، ۲۰۰۴: ۱۹۹-۲۰۴). در حوزه داخلی مطالعات

1. Kolbe
2. Sonne

(کاپوراسو و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۲-۲۱). اصولاً سیاست فضا دارای ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر هستند. فضای جغرافیایی از یک سو عرصه فرمانروایی و اعمال اراده سیاسی حکومت و تجلی‌گاه آرمان‌ها و ارزش‌های ایدئولوژیک آن می‌باشد و از سوی دیگر حکومت مسئولیت اداره، تنظیم و تنسيق امور آن‌ها را به عهده دارد و متناسب با آن سیاستگذاری و نظام تصمیم‌گیری خود را شکل می‌دهد. بنابراین تصمیم‌گیری در عرصه برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای ضرورتاً اقدامی سیاسی قلمداد می‌شود (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۱۷). همواره رویکردهای اجتماعی و سیاسی نقش موثری در تولید فضا داشته‌اند. یکی از مناسبات سیاسی-اجتماعی که آفریننده فضا است، عرصه سیاست است. سیاست به اتکا اقتصاد سیاسی فضا، در شهرها فضای شهری را جهت استفاده بهینه شهرنشینان مهیا می‌کند. نیز سازمان فضایی نواحی و شهرها به کمک عنصر دولت دگرگون می‌شود. یعنی دولت‌ها با سیاست‌ورزی نقش اساسی در شکل دادن آنها دارند. (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۷۰). از نظر جامعه‌شناسان، دولت یکی از شیوه‌های سازمان دادن به جامعه از طریق سیاست‌ورزی است (آندرو، ۱۳۷۱: ۲۷). برخی دیگر از متفکران علوم سیاسی و اجتماعی بر این باورند که سیاستگذاری دولت و تدبیر امور حکومت از همه چیز فراتر است و هیچ امر سیاسی خارج از اراده دولت شکل نمی‌گیرد (هاوکز و همکاران، ۱۹۹۲: ۴۴). در تعریفی دیگر، دولت، نهادی سیاسی-قانونی است که دربرگیرنده تمام افراد سرزمین یک کشور می‌شود (محمدی، ۱۳۷۵: ۱۷). با پذیرش این رویکرد دولت، عالی‌ترین مظهر قدرت سیاسی است (پیلهور، ۱۳۹۲: ۲۱) که در تولید فضاهای جغرافیایی همچون شهرها و تغییرات ساختاری و کارکردی در فضا مانند ایجاد تعادل یا عدم تعادل جغرافیایی نقش‌آفرینی می‌کند. فضای شهری-ناحیه‌ای، بازتابی از کارکردهای سیاسی و اقتصادی است و کارکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در تولید فضا نقش دارند و فضا نیز بستر و مقرر کارکردهای مختلف است که توجه به شهر و ناحیه در

و تحقیقات متعدد و متفاوتی پیرامون شناخت تفاوت‌های ناحیه‌ای و نابرابری شهری-ناحیه‌ای در مقیاس ملی، ناحیه‌ای و محلی صورت گرفته است. یکی از تحقیقات مرتبط، پژوهش موسوی در رابطه با سنجش درجه توسعه یافتگی نواحی ایران است. وی در تحقیق خود نشان می‌دهد با توجه به شاخص‌های تلفیقی انتخابی، نابرابری ناحیه‌ای در (۰/۰۶۳)، آشکار است و این نابرابری در عامل اقتصادی و اجتماعی بیشتر ظهور داشته است. وی این نابرابری را بیشتر ناشی از ضعف در عملکردهای سیاسی، برنامه‌ریزی، اجتماعی، اقتصادی و... می‌داند. از سوی دیگر تمرکز فضایی کانون‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی ناشی از رویکرد دولت در نابرابری‌های ناحیه‌ای ایران، نقش مهمی داشته است (موسوی، ۱۳۸۲). در تحقیقی مشابه، موسوی و همکاران اقدام به پژوهش در مورد تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد (۱۳۷۵-۱۳۵۵) کردند که نتایج تحقیقات ایشان نشان می‌دهد نابرابری ناحیه‌ای در نواحی یزد، اردکان و بافق با تمرکز بیشتر در شاخص‌های تلفیقی انتخابی نمایان و توسعه یافته‌تر از نواحی دیگر به نظر می‌رسد. لذا از نظر ایشان تمرکززدایی از این نواحی راهبرد مطلوب، برای تعادل بخشی به نواحی دیگر به نظر می‌رسد. این اقدام موجب فرصت‌یابی دیگر شهرستان‌ها در برخورداری از مواهب توسعه ناحیه‌ای می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۲-۱۰۱). بنابراین، پیشینه تحقیقات به بهره‌گیری از نتایج و کاربردهای آن در فرایند پژوهش‌های جدید، کمک موثر خواهد کرد.

مبانی نظری تحقیق

سیاست و عدم تعادل فضایی: سیاست در دیدگاه محققان علوم سیاسی با سه رویکرد ارائه شده است. یکی به مثابه حکومت یعنی دستگاه رسمی و نهادها و سازمان‌های یک کشور است. دوم به مثابه خدمات دولتی است که به کارکردهای عمومی و نه خصوصی معطوف است. سیاست در مفهوم سوم نیز به توزیع آمرانه ارزش‌ها درباره تولید و توزیع منابع است

از شهرهای مسلط و در تبیین شهرهای مسلط از وابستگی اقتصادی سخن به میان می‌آورند (شکوئی، ۱۳۷۳: ۴۸۶) شهر مسلط، شاخص تمرکز گرایشی محسوب می‌شود و در شرایطی بزرگ ترین شهر یا چند شهر بزرگ در داخل یک سیستم شهری، نقش شهر مسلط را بر عهده می‌گیرند.

این نظریه به وسیله نورکس مطرح شد که بر پایه تفکرات کینزی بود. طبق این نظریه، برای رسیدن به یک سیاست توسعه و تأمین عدالت اجتماعی در کشورهای جهان سوم، تأمین امکانات، فرصت‌های شغلی و خدمات مورد نیاز در شهرهای کوچک و روستاها ضروری می‌نماید. در این نظریه توسعه یکپارچه ناحیه ای و تحلیل کارکردی از سیستم‌های شهری و نقش آنها در اقتصاد ملی، بیشتر مورد توجه است. بنابراین، برای رفع و دفع دور تسلسل فقر و آثار زیانبار ناشی از آن در مهاجرت روستائیان، نیازمند شناسایی استعدادها موجود در گستره نواحی بوده که این خود در قالب استراتژی‌های بلند مدت و مطالعات گسترده اندیشمندان و صاحب‌نظران توأم با مشارکت روستائیان قابل تحقق است (پاپلی‌یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۷۰).

نظریه مهاجرت و مرکز - پیرامون: مطابق نظریه وابستگی علل مهاجرت را نمی‌توان از آثار آن جدا کرد؛ زیرا مهاجرت از یک طرف معلول توسعه نابرابر و از طرف دیگر عامل گسترش و تعمیق است. این نظریه پردازان به عامل دافعه جمعیت باور دارند و علت مهاجرت را اغلب نابرابری سطح توسعه روستا و شهر می‌دانند و مهاجرت از یک طرف عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست و از طرف دیگر عامل ایجاد و تشدید نارسایی‌های منطقه مهاجر پذیر است (همان، ۲۳۴). برای درک ساختار فضایی مناطق و پیش بینی تغییر و تحولات روند توسعه، فریدمن، الگوی مرکز - پیرامون را عرضه کرد. فریدمن می‌گوید: هر نظام جغرافیایی شامل دو زیر نظام فضایی است. یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویایی نظام است و دیگری پیرامون که می‌توان آن را بقیه نظام به حساب آورد و در حالت وابستگی یا سلطه‌پذیری

برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای رشد و توسعه هدفمند و متعادل را ضروری می‌سازد. در این فرایند وظیفه برنامه‌ریزان شهری و ناحیه‌ای تأمین رشد اقتصادی بر پایه مفهوم انباشت، جلوگیری از نابرابری فضایی، پاسداری از منابع ارزشمند محیطی و میراث فرهنگی، توسعه فرهنگ و آموزش و... در راستای تحقق توسعه پایدار ناحیه‌ای و جلوگیری از عدم تعادل می‌باشد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰۵). برای این مهم، سیاستگذاری‌های ناحیه‌ای با هدف عدالت اجتماعی به صورت ایجاد برابری بیشتر، کاستن از بیکاری، از میان بردن فقر، پیشبرد تعدیل ساختاری و تحقق کاملتر قابلیت‌های توسعه، انجام می‌شود (هنسن و همکاران، ۱۳۷۶: ۳۶۳-۳۶۲). همچنین تمرکزگرایی و مرکزیت‌یابی شهرها در هر ناحیه و منطقه جغرافیایی به لحاظ سیاسی - اداری باعث جذب سرمایه‌گذاری و گسترش کارکردهای اداری، خدماتی و به تبع آن پذیرش مهاجرین و تغییر موازنه در ناحیه شده و با پیدایش قطب‌های شهری نابرابری ناحیه‌ای بروز می‌نماید. از طرف دیگر تمرکز اقتصادی - اجتماعی و غیره در شهرها، سبب غفلت از پیرامون می‌شود (آلین، ۱۹۹۹: ۳۱). در چنین شرایطی مرکز از تمرکزگرایی رنج می‌برد و پیرامون از فراموشی و نابرابری ناحیه‌ای آسیب می‌بیند. بنابراین، سیاست‌ها و برنامه‌های شهری و ناحیه‌ای در فرایند دگرگونی ساختارهای اجتماعی - اقتصادی و کالبدی همواره مورد توجه بوده و از عوامل تعیین کننده در تعادل ناحیه‌ای هستند که در قالب سندهای رشد و توسعه و آمایش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نظریه شهرهای مسلط و روابط شهر و روستا: در سال ۱۹۳۹، برای اولین بار، عنوان شهر مسلط به وسیله مارک جفرسن، وارد مباحث جغرافیایی شد. در کشورهای جهان سوم، نظریه‌های مربوط به شهرهای مسلط با وابستگی یا اقتصاد سیاسی همراه می‌شود و آزمایشگاه آن، شهرهای آمریکای لاتین است. این روند را آندره گوندر فرانک در مدل مادر شهر - اقمار به روشنی تبیین می‌کند. از آن زمان به بعد، پیشگامان نظریه شهرهای مسلط، در تبیین وابستگی اقتصادی،

روش تحقیق

کاربرد مدل و بهره‌گیری از روش‌های کمی برای تحلیل و ارزیابی گامی سودمند برای تسهیل فرآیند برنامه ریزی و کمک به تصمیم‌گیری می‌باشد. با توجه به رویکرد این پژوهش، نوع تحقیق «کاربردی - توسعه‌ای» و روش به‌کارگرفته شده «توصیفی - تحلیلی» می‌باشد. داده‌های مورد نیاز با بهره‌گیری از منابع آماری رسمی مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خراسان شمالی، سال‌نامه آماری استان و سازمان‌های مرتبط جمع‌آوری شده است. در عین حال انجام مطالعات میدانی برای درک واقعیت‌های جغرافیای رفتاری اجتماعات انسانی امر ضروری و الزام‌آوری است (بدری و همکاران، ۱۳۸۵: ۶). در راستای سنجش و ارزیابی سطوح متعدد و متفاوت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی، بهداشتی، زیست محیطی و... استفاده کرد. همچنین به منظور تعیین میزان پراکندگی معیارها و سطح نابرابری در استان خراسان شمالی به‌عنوان ناحیه مورد تحقیق، شاخص‌هایی براساس شناخت، قابل دسترس بودن و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و کالبدی شهرستان‌های استان در یازده معیار انتخاب شده است. با توجه به تعدد معیارها و فراوانی آنها، در این تحقیق از هر کدام از معیارهای مهم اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و کالبدی، شاخص‌های در دسترس و براساس اهمیت، انتخاب و با تشکیل جدول داده‌ها و کمک نرم افزار آماری spss و مدل ضریب تغییرات و رتبه اندازه تحلیل و ارزیابی‌ها در دو مرحله انجام شده است:

الف: ارزیابی داده‌ها به کمک مدل‌ها. بدین‌منظور از مدل ضریب تغییرات برای تعیین میزان نابرابری ناحیه‌ای و از فرمول رتبه - اندازه برای تعیین سلسله مراتب جمعیت شهرهای استان خراسان شمالی استفاده شد. ب: تحلیل داده‌ها به‌صورت تطبیقی و اسنادی با رویکردی سیستمی و با تأکید بر مدل‌ها و کمیت‌گرایی است.

نسبت به مرکز قرار دارد (هیلهورست، ۱۳۷۰: ۲۷-۲۶). رابطه مرکز - پیرامون را اصولاً می‌توان رابطه‌ای استعماری دانست. معمولاً بروز یک ساختار قطبی شده، با یک سری جابه‌جایی عوامل اصلی تولیداز حاشیه به مرکز همراه است (پاپلی‌یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۰۴).

علاوه بر نظریاتی که در ارتباط با رابطه شهر و روستا و مهاجرت و همچنین نوع ارتباط موجود میان آنها، مطرح گردید، لازم به اشاره است که اولین تجربه جغرافیایی، توزیع اندازه شهرها در نظام‌های شهری به اوایل قرن بیستم بر می‌گردد. فلیکس اوئرباخ^۱ جغرافیدان آلمانی در سال ۱۹۱۳ قانون رتبه - اندازه شهری را ارائه داد که بین اندازه شهرها و رتبه آنها رابطه معکوس وجود دارد. بعدها توسط کسانی همچون لوتکا^۲ (۱۹۲۴)، گودریچ^۳ (۱۹۲۶) سینگر^۴ (۱۹۳۶) مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۹۴۹ این نوع بررسی در شهرها توسط جرج زیپف^۵ به‌صورت کامل فرمول بندی و مورد عمل و بررسی قرار گرفت. زیپف بیان می‌کند که اگر سکونتگاههای شهری به‌ترتیب اندازه جمعیتی مرتب شود، جمعیت شهر دوم حدود $\frac{1}{2}$ جمعیت شهر اول، شهر درجه سوم حدود $\frac{1}{3}$ شهر نخست و بالاخره جمعیت شهر n حدود $\frac{1}{n}$ جمعیت شهر اول خواهد بود. او معتقد بود وجود همبستگی بین شهرها و مرتبه آنها به‌صورت خط مستقیم یا همبستگی خطی مطرح است. بنابراین، هر اندازه سیستم شهری یک کشور توسعه پیدا کند به توزیع نرمال نزدیک تر است که این موضوع در این مقاله با مطالعه استان خراسان شمالی به‌عنوان نمونه مورد مطالعه، به شکلی به نسبت مفصل مورد بحث واقع شده است.

1. Felizt Auerbach
2. Lotka
3. Goodrich
4. Siger
5. Gk Zipof

معرفی مدل

مدل ضریب تغییرات و رتبه-اندازه: جهت فهم میزان برخورداری مناطق از شاخص‌های رشد و توسعه و تعیین میزان تفاوت‌های ناحیه‌ای از مدل ضریب تغییرات می‌توان استفاده کرد. ضریب تغییرات مدل و فرمولی است که پراکندگی شاخص‌ها را مشخص می‌کند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۳). در واقع یکی از روش‌های اساسی برای به‌دست آوردن نابرابری منطقه‌ای، روش ضریب تغییرات است. با استفاده از این روش می‌توان مشخص نمود که یک شاخص تا چه حد به‌طور نامتعادل در بین مناطق توزیع شده است (کلانتری، ۱۳۷۷: ۱۲۹).

ساختار کلی مدل به شرح رابطه یک است.

$$CV = \frac{\sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (x_i - \bar{x})^2}{n}}}{\frac{\sum_{i=1}^n X_i}{n}} \quad \text{رابطه یک}$$

در این رابطه :

CV : ضریب پراکندگی،

X_i : برابر با مقدار یک متغیر در یک منطقه خاص،

\bar{X} : برابر است با مقدار متوسط همان متغیر،

n : تعداد مناطق.

مقدار بالای ضریب تغییرات نشان‌دهنده نابرابری بیشتر در توزیع شاخص‌ها در بین مناطق است. یکی دیگر از مدل‌های کاربردی در تعیین سلسله مراتب شهری مدل رتبه-اندازه است. به کمک این مدل می‌توان اندازه و مرتبه جمعیتی شهرها را مورد بررسی قرار داد (نظریان، ۱۳۷۳: ۷۰). به منظور بهره‌گیری از این مدل از رابطه دو استفاده شد:

$$P_n = \frac{P_1}{N} \quad \text{رابطه ۲}$$

P_n : جمعیت شهر مورد نظر در طبقه شهری ناحیه یا کشور

P_1 : جمعیت بزرگترین شهر (شهر اول) ناحیه یا کشور

N : مرتبه شهر مورد نظر در ناحیه یا کشور

هدف از ارائه این مدل، تعیین سلسله مراتب شهری و پدیده نخست شهری، در ناحیه مورد مطالعه است.

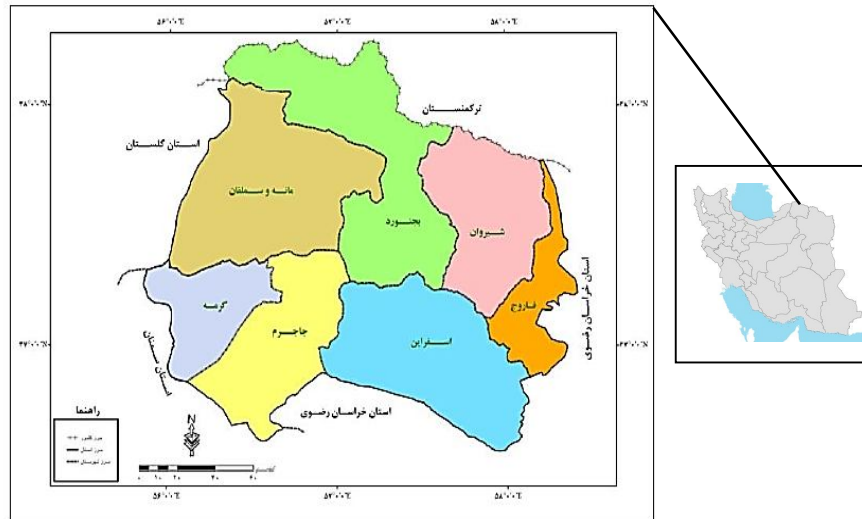
موقعیت و محدوده مطالعه

به لحاظ موقعیت، استان خراسان شمالی از شمال با کشور ترکمنستان حدود ۲۷۰ کیلومتر مربع مرز مشترک، از شرق و جنوب به استان خراسان رضوی و از غرب به استان گلستان و از سمت جنوب غربی با استان سمنان همسایه است (شکل ۱). براساس قانون جدید تقسیمات سیاسی، استان خراسان شمالی به مرکزیت شهر بجنورد و شش شهرستان در سال ۱۳۸۳ تشکیل شد (استانداری خراسان شمالی، ۱۳۸۶). بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۰ دارای ۷ شهرستان، ۱۷ بخش، ۱۸ شهر و ۴۲ دهستان بوده است (پیله ور، ۱۳۹۲: ۲۷).

معرفی معیارها یا نماگرها

در بررسی‌ها و تحلیل‌های سطوح نابرابری یا برابری ناحیه‌ای از برخی معیارها استفاده می‌شود. این معیارها در گروه ارقام برای اندازه‌گیری و سنجش نوسانات و عوامل متغیر در طول زمان محسوب می‌شوند (آسایش، ۱۳۸۱: ۲۰۴). بنابراین، انتخاب آنها مهم‌ترین و اساسی‌ترین گام، در تعیین برابری یا نابرابری ناحیه‌ای است. در واقع می‌توان گفت بیان آماری پدیده‌های موجود در یک ناحیه و منطقه به شمار می‌رود (کلانتری، ۱۳۸۱: ۱۱۱). در این تحقیق برای اخذ داده‌ها و بیان آماری معیارها از وجه مثبت آنها (به جای مقدار معکوس یا منفی) استفاده شد. به‌عنوان مثال برای تعیین تعداد پزشک در برابره هزار نفر به روش ذیل محاسبه شده است.

$$X = \frac{10000 \times \text{تعداد پزشک}}{\text{جمعیت شهرستان } X}$$



شکل ۱: موقعیت و محدوده سیاسی خراسان شمالی در نقشه ایران

معیارهای اجتماعی

حوزه اجتماعی، گسترده ترین سطح در تعیین تعادل در یک ناحیه جغرافیایی است. در معیارهای اجتماعی برپیشرفت منابع انسانی به منظور تأمین رفاه اجتماعی و حمایت سطوح اجتماعی (جمعیت، خانواده و...) و ارتقاء سطح زندگی آنها تأکید می‌شود (روساتی^۱ و همکاران، ۱۹۹۹: ۳۰) در معیار اجتماعی، عناصر اصلی جمعیت است و در این تحقیق، دو معیار تعیین شده است:

الف: جمعیت شهری به درصد: این معیار در سطح ناحیه و هر شهرستان به درصد تعیین شده است. معیار درصد جمعیت شهری، بیانگر سطح شهرنشینی است و یکی از معیارهای رشد و توسعه، میزان شهرنشینی در هر ناحیه است. این معیار نشان می‌دهد تمرکز جمعیت شهرنشینی در کدام حوزه بیشتر و به تبع آن تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها نیز چگونه بوده است.

ب: معیار تعداد جمعیت دانش‌آموز دبیرستان به ازاء ده هزار نفر: این معیار بیانگر میزان سرمایه‌های انسانی متخصص و منابع انسانی بالقوه در آینده جامعه است. هر قدر عدد این معیار در شهرستان بیشتر باشد در جامعه متخصصین و منابع انسانی نقش بیشتری خواهند داشت. در این معیار، جمع تعداد جامعه دانش

آموزان دبیرستان به ده هزار نفر مشخص شده است و سطح تمرکز در ناحیه را نشان می‌دهد.

معیار اقتصادی

در معیار اقتصادی، توجه اصلی به میزان توان شهر و شهرستان در جذب فعالیت‌ها و تمرکز انواع فعالیت‌های اقتصادی است. در این راستا می‌توان معیارهای متعدد و متفاوت انتخاب و تحلیل کرد. در این تحقیق با توجه به اهمیت حوزه اقتصاد ۳ معیار از معیار اقتصادی انتخاب شده است.

الف: درصد شاغلان بالای ده سال نسبت به کل جمعیت در سن کار شهرستان: این معیار از یک طرف فهم پایداری اقتصادی و میزان اشتغال را نشان می‌دهد و از طرف دیگر به میزان اقتصاد پایه‌ای یا غیر پایه‌ای اشاره دارد. انتخاب این معیار بدلیل اهمیت اساسی آن در فعالیت‌های اقتصادی است.

ب: تعداد خرده فروشی و عمده فروشی به ازاء ده هزار نفر: این معیار نشان می‌دهد تمرکز فعالیت‌های کارگاهی و جزئی در هر شهرستان و مرکز آن به چه میزان تمرکز یافته‌اند. همچنین این معیار میزان فعالیت‌های اقتصادی در سطوح واحدهای خدماتی را نشان می‌دهد. از این طریق می‌توان میزان پراکندگی یا نابرابری در فعالیت‌های خدماتی - اقتصادی جزئی را تشخیص داد و تحلیل کرد.

پراکندگی یا تمرکز جمعیت در هر حوزه شهرستانی در جامعه آماری است. این معیار نشان می‌دهد در چه شهرستانی تمرکز جمعیت در کیلومتر مربع بیشتر و در کدام کمتر است. از این طریق می‌توان با توجه به داده‌های جدول آماری به تحلیل یافته پرداخت.

ب: درصد راه آسفالت‌ه روستایی نسبت به کل راه روستایی: این معیار میزان برخورداری روستاهای هر شهرستان در ناحیه را از میزان اعتبارات عمرانی نمایش می‌دهد. می‌توان گفت یکی از شیوه‌های فهم میزان توسعه یافتگی و رشد ناحیه‌ای ساخت بسترهای رشد و توسعه است. این معیار با حوزه کشاورزی و بطور کلی با اقتصادی در رابطه مستقیم است. هر چند می‌تواند نمایانگر تمرکز فعالیت‌های اجتماعی و رشد یافتگی یا عدم رشد در حوزه‌های دیگر نیز باشد. بنابراین این معیار از جهت تعیین میزان هزینه‌های عمران و تمرکز یا پراکندگی راه آسفالت‌ه جهت بهبود ترابری و تسهیل تردد در سطوح ناحیه مهم است.

ج: سرانه فضای سبز شهری و پارک‌های عمومی: این معیار نشان می‌دهد شهرها در چه سطحی از مطلوبیت و بهبود کیفیت محیطی قرار دارند. همچنین این معیار در تحلیل میزان سرانه‌های فضای سبز نقاط شهری ناحیه با توجه به میکرواقليم‌های موجود در آن مؤثر و مهم به نظر می‌رسد.

د: تعداد بنای ساخته شده براساس بتن آرمه در نقاط شهری به ازاء ده هزار نفر: این معیار تعیین میزان پایداری بناها و فضای فیزیکی-کالبدی هر شهر در مواقع بحران بویژه در زمان زلزله خیزی کمک می‌کند. باتوجه به اینکه در این ناحیه فعالیت‌های تکتونیکی گسل‌ها همواره وجود داشته است و یک عامل مهم در مقاوم سازی بناهای ساختمانی به شمار می‌رود، این معیار می‌تواند مهم باشد. هدف از انتخاب این معیار تعیین میزان دوام یا کم دوامی بناها در هر نقطه شهری در شهرستان‌های مورد بررسی است. از این طریق می‌توان میزان پایداری یا ناپایداری بناها را در سطوح شهر تحلیل کرد.

ج: تعداد واحدهای بانکی به ازاء ده هزار نفر: این معیار بیانگر تبادلات مالی و ارزی در حمایت از سیستم اقتصادی و فعالیت‌های آن در یک حوزه جغرافیایی است. برای تبیین میزان پراکندگی با تمرکز این سیستم که اغلب در مراکز شهری نمایان است از معیار تعداد واحدهای بانکی در برابره هزار نفر استفاده شده است.

معیارهای بهداشتی - درمانی

این معیار با سیستم اکولوژیک یک ناحیه در رابطه است و با میزان سلامتی جامعه و رشد یافتگی یا کمتر توسعه یافتگی سطوح درمانی و بهداشتی رابطه مستقیم دارد. این معیار همچنین با میزان پایداری یک ناحیه ارتباط دارد و در تحلیل ناحیه‌ای می‌تواند میزان نابرابری‌ها رابه خوبی نمایش بدهد. بدین منظور (نمایش نابرابری‌ها) دو معیار از معیارهای بهداشتی - درمانی انتخاب شده است.

الف: تعداد مراکز بهداشتی- درمانی: این معیار بیانگر سطوح برخورداری از تأسیسات و تجهیزات بهداشتی- درمانی است. در این معیار می‌توان رابطه بین افزایش سلامت و طول عمر را مورد تحلیل قرارداد.

ب: معیار تعداد پزشک به ازای هر ده هزار نفر: در این معیار می‌توان پراکندگی تعداد پزشکان سطح برخورداری هر شهرستان را از تعداد پزشکان مورد توجه قرار داد و همچنین این معیار در رابطه مستقیم با افزایش طول عمر و سطح سلامت مردم ناحیه می‌باشد.

معیار فضایی-کالبدی

در این تحقیق، به این معیار در سطح شهرستانی و شهری توجه شده است. در سطح شهرستان به تراکم نسبی و درصد راه‌های آسفالت روستایی توجه داشته و در مقیاس شهری به سرانه فضای سبز شهری و پارک‌های عمومی و همچنین تعداد بنای ساخته شده بر اساس بتن آرمه اشاره شده است. بنابراین معیارهای زیر تعریف می‌شود.

الف: معیار تراکم نسبی: منظور از تراکم نسبی، میزان

داده‌ها و یافته‌ها تحقیق

با توجه به معیارها و نماگرهای تعیین شده و ضرورت بررسی و تعیین ضریب تغییرات و آزمون آنها جدول یک ارائه شده است. جدول یک با توجه به مدل ضریب تغییرات یافته‌های جدیدی را نشان می‌دهد. نمایش سطوح تغییرات با استفاده از داده‌های جدول

یاد شده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهد شهرستان‌های خراسان شمالی از لحاظ سطح برخورداری یا عدم برخورداری از معیارهای مختلف انتخابی متفاوت بوده شهرستان بجنورد در تمرکز امکانات و زیرساخت‌ها سهم قابل توجهی دارد (جدول ۱).

جدول ۱: معیارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و کالبدی برای تعیین ضریب تغییرات در خراسان شمالی

شاخص ردیف	نام شهرستان	کل جمعیت	تراکم نسبی به نفر	جمعیت شهری به درصد	سرانه فضای سبز شهری و پارکهای عمومی در برابر ۱۰ هزار نفر	تعداد بنا ساخته شده پیش از مه در نقاط شهری در برابر ۱۰ هزار نفر	درصد شاغلان شهری بالای ۱۰ سال در برابر کل جمعیت در سن کار	تعداد عمده فروشی و خرده فروشی در برابر ۱۰ هزار نفر	تعداد واحدهای بانکی در برابر ۱۰ هزار نفر	تعداد پزشک در برابر ۱۰ هزار نفر	تعداد مراکز بهداشتی در برابر ۱۰ هزار نفر	تعداد دانش آموزان دبیرستان در برابر ۱۰ هزار نفر	درصد راه آسفالت روستایی نسبت به کل راه روستایی	کل (بدون جمعیت) Z score
۱	بجنورد	۳۵۴۰۱۵	۶۱	۵۶/۵	۴۰/۳۵	۱۸/۶۰	۵۱/۸۹	۲۶۷/۸۹	۱/۳۶	۵۸	۳۶	۶۰/۱۸۴	۸۰	۸/۵۷
۲	اسفراین	۱۲۱۷۱۷	۲۳	۴۹/۱	۸/۲۰	۲۸/۰۹	۳۹/۵۹	۱۸۶/۷۷	۱/۶۲	۲۵	۱۷	۷۱۸/۵۸	۶۵	-۲/۱۸
۳	شیروان	۱۴۷۹۳۱	۳۹	۵۶/۳	۷/۰۴	۲۲/۴۰	۵۰/۰۶	۲۱۷/۶۹	۱/۰۲	۲۲	۱۶	۷۲۵/۵۰	۶۰	-۳/۵۴
۴	*جاجرم	۶۰۲۸۶	۲۰	۷۰/۳	۲۸/۵۵	۴۶/۳۳	۵۳/۷۵	۲۵۶/۴۸	۲/۳۲	۶	۱۱	۶۴۴/۵۷	۴۶	-۱/۷۷
۵	مانه و سملقان	۱۰۱۷۴۸	۱۷	۲۷/۰۴	۱/۵۶	۵/۳۳	۲۴/۰۹	۲۶۱/۵۵	۲/۰۱	۷	۱۵	۴۰۸/۳۰	۸۴	-۱/۲۶
۶	فاروج	۵۰۷۹۲	۳۳	۳۰	۰/۳۲	۳۱/۳۹	۲۱/۹۷	۱۰۰/۶۱	۰/۹۴	۸	۸	۸۷۴/۱۶	۵۲	۰/۱۸
جمع	-	۸۳۶۴۸۹	-	۱۰۰	-	-	-	-	-	۱۲۶	۱۰۳	-	-	-

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ خراسان شمالی *شهرستان گرمه با جاجرم محاسبه شده است

معیار جمعیت محاسبه و میانگین و انحراف معیار آنها به کمک رابطه سه به دست آمد نتیجه محاسبات در جدول دو ارائه شد.

رابطه (۳)

$$Z = \frac{X_i - \bar{X}}{\Sigma}$$

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

نابرابری ناحیه‌ای: نتیجه حاصل از فرمول ضریب تغییرات نشان می‌دهد، هرچه عدد حاصل بیشتر باشد نشان از نابرابری و هر چه کمتر باشد، بیانگر برقراری تعادل و کاهش ضریب تغییرات در آن شهرستان است. تعیین میزان Z معیارهای انتخابی نشان می‌دهد شهرستان بجنورد بعنوان کانون اداری-سیاسی و مهمترین شهرستان، میزان Z آن ۸/۵۷ بوده و در عوض دیگر شهرستان‌ها از ۰/۱۸ تا -۳/۵۴ متغیر بوده

برای تحلیل میزان تغییرات معیارها و از همه مهم تر تعیین سطح نابرابری و عدم تعادل از تحلیل تطبیقی معیارها با توجه به داده‌های جدول ۱ و ۲ استفاده شده است. ارزیابی و بررسی معیارانتخابی در بخش‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی-کالبدی و بهداشتی در سطح شش شهرستان خراسان شمالی بیانگر عدم تعادل در برخی معیارها و برابری نسبی در دیگر معیارهاست. جهت ارزیابی موضوع، جدول یک تشکیل و یازده معیار به صورت میزان اهمیت آن در حوزه شهری و روستایی انتخاب و داده‌های خام تهیه و به کمک نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. ابتدا Z score* هر شهرستان در یازده معیار بدون محاسبه

* Z score: نشان می‌دهد هرچه عدد در معیارها بیشتر باشد آن شهرستان امکانات، تجهیزات و زیرساخت‌های توسعه بیشتری را به خود اختصاص داده است.

نسبت به شیروان (به‌عنوان دومین شهرستان) و اسفراین وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهد. نتیجه کل از محاسبه Z تمام شهرستان‌های استان و ناحیه (چه با محاسبه جمعیت و چه بدون محاسبه جمعیت) بیانگر نابرابری بسیار بین شهرستان بجنورد و دیگر شهرستان‌هاست. با تعیین میزان Zscore هر یک از شهرستان‌ها، می‌توان به کمک داده‌های به دست آمده از طریق محاسبه ضریب تغییرات، تحلیل‌های هر معیار را ارائه داد. در تحلیل هر چه ضریب تغییرات از عدد یک بزرگتر باشد، نشانگر عدم تعادل و نابرابری شهرستان در معیارهای مورد بررسی است و هر چه میزان تعادل برقرار باشد و ضریب تغییرات نیز کمتر است. جدول ۲ تحلیل‌های آماری از یازده معیار مورد نظر را ارائه داده است (جدول ۲).

است. مقدار Z بجنورد نشان می‌دهد شهرستان بجنورد با عدد ۸/۵۷ سهم بیشتری در تمرکز فعالیت‌ها و جذب امکانات و در مجموع معیارها، بالاترین سهم را داشته است. در مقابل شهرستان شیروان با ۳/۵۴- کمترین برخورداری را در بین معیارهای انتخابی به نمایش گذاشته است. از آنجا که شهرستان شیروان به لحاظ جمعیت دومین شهر و شهرستان استان و بعد از بجنورد قرار دارد، این تفاوت آشکار در میزان برخورداری از امکانات و سطوح توسعه قابل توجه و تأمل است. نکته قابل توجه سهم شهرستان فاروج است که Z آن در کل معیارها، ۰/۱۸ می‌باشد و وضعیت مطلوبی را نسبت به بجنورد و دیگر شهرستان‌ها نشان می‌دهد. علی‌رغم این که شهرستان جاجرم و مانه و سملقان از وسعت زیادی برخوردار و جمعیت آنها نیز کم است، Z آنها با ۱/۷۷- و ۱/۲۶-

جدول ۲: نمایش ضریب تغییرات، انحراف معیار و میانگین معیارهای یازده‌گانه شهرستان‌های خراسان شمالی

معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
کل جمعیت	۶	۱۳/۵۲	۱۰/۲۶	۰/۷۵
تراکم نسبی به نفر	۶	۳۳/۶۶	۲۰/۱۲	۰/۵۹
جمعیت شهری به درصد	۶	۱۵/۵۰	۱۷/۸۵	۱/۱۵
سرانه فضای سبز و پارک‌های عمومی	۶	۳۰/۱۶	۱۷/۲۶	۰/۵۷
تعداد بنا ساخته شده بر اساس بتن آرمه در نقاط شهری در برابر ۱۰ هزار نفر	۶	۵۵/۸۳	۳۹/۶۲	۰/۷۰
درصد شاغلان شهری بالای ۱۰ سال نسبت به کل جمعیت در سن کار	۶	۳۵/۶۶	۱۶/۴۱	۰/۴۶
تعداد خرده فروشی و عمده فروشی در برابر ۱۰ هزار نفر	۶	۲۱۵/۱۷	۶۴/۱۴	۰/۲۹
تعداد واحد بانکی در برابر ۱۰ هزار نفر	۶	۶۴/۵۰	۱۵/۰۹	۰/۲۳
تعداد پزشک در برابر ۱۰ هزار نفر	۶	۴۹/۱۶	۲۳/۷۵	۰/۴۸
تعداد مراکز بهداشتی درمانی	۶	۱۷/۱۶	۹/۸۲	۰/۵۷
تعداد دانش آموز در برابر ۱۰ هزار نفر	۶	۲۱/۰۰	۱۹/۸۷	۰/۹۴
درصد راه آسفالت روستایی نسبت به کل راه روستایی	۶	۳۶/۱۶	۳۶/۳۷	۱/۰۰۵۸

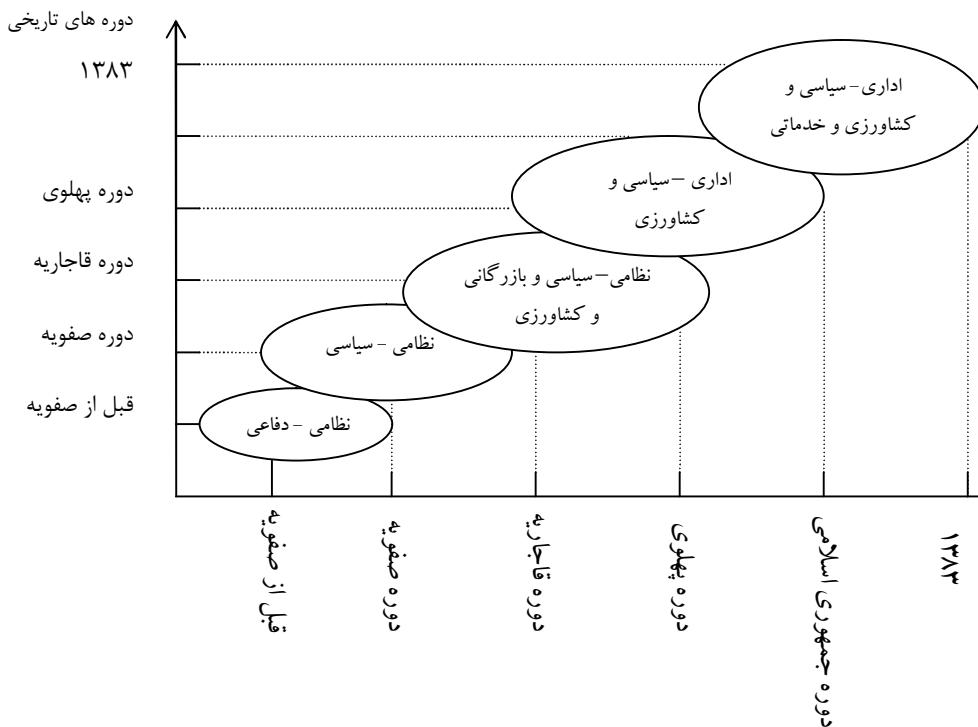
منبع: مستخرج از جدول یک

نابرابری شهری: رویکرد دولت در اجرای طرح تقسیمات کشوری برای تقسیم خراسان موجب اهمیت‌یابی کانون ناحیه (بجنورد) از یک سو و شکاف روزافزون بین کانون‌های شهری و روستایی از سوی دیگر خود به همگرایی و تمرکز گرایش داشته است.

بررسی جدول ۲ نشان می‌دهد با توجه به وسعت و جمعیت هر شهرستان به جزء دو معیار یعنی درصد جمعیت شهری و درصد راه آسفالت روستایی که نشان از تمرکز بیشتر و نابرابری دارد در دیگر معیارها ناحیه روبه تعادل است.

بجنورد افزایش و پدیده نخست شهری بجنورد به اتکا مدل رتبه - اندازه با وجهی چند کارکردی نمایان شده است (نمودار ۱).

با این روند در محدوده مورد مطالعه تشدید نابرابری ناحیه‌ای آشکار و از سال ۱۳۸۳ با تقسیم خراسان تمرکز امکانات و زیرساخت‌ها در شهرستان و شهر



نمودار ۱: روند تغییر و تطور در نقش پذیری بجنورد در دوره‌های مختلف تاریخی
منبع: (پیلهور، ۱۳۸۷: ۱۳۲)

آنها در مقطع زمانی ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند.

بررسی طبقات جمعیتی شهرهای استان خراسان شمالی در سال ۱۳۸۵، نشان می‌دهد، شهر بجنورد همچنان به‌عنوان نخست شهر، نقش غالب را در بیشترین درصد جمعیت شهری استان دارد. به‌طوری‌که با ۴۴/۹۹ درصد جمعیت شهرنشین، در طبقه اول قرار دارد (جدول ۳).

برای تعیین وزن جمعیتی بجنورد به‌عنوان مرکز ناحیه ای و مرکز مهم سیاسی - اداری و شناخت سلسله مراتب شهرهای خراسان شمالی از مدل رتبه - اندازه استفاده شد. همچنین برای بررسی تطبیقی دو دوره سرشماری رسمی ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ (دوره زمانی ۱۵ ساله) مورد بررسی قرار گرفت. برای شناخت کانون‌های شهری و سلسله مراتب جمعیت شهری ناحیه مورد مطالعه، شهرها با توجه به جمعیت و تعداد

جدول ۳: طبقات جمعیتی شهرهای استان خراسان شمالی سال ۱۳۸۵

ردیف	طبقات جمعیتی	تعداد شهر	جمعیت	درصد
۱	شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر	۱	۱۷۶۷۲۶	۴۴/۹۹
۲	شهرهای بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفر	۳	۱۶۲۵۲۲	۴۱/۳
۳	شهرهای بین ۵ تا ۲۵ هزار نفر	۳	۳۴۶۷۹	۸/۸
۴	شهرهای کمتر از ۵ هزار نفر	۸	۱۸۸۴۲	۴/۷
جمع	-	۱۵	۳۹۲۷۶۹	۱۰۰

منبع: نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ خراسان شمالی.

طبقه دوم، شهرهای با جمعیت بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفر قرار دارند که شهر شیروان و اسفراین با ۳۳/۲ درصد جمعیت شهری در این طبقه قرار دارند. همان‌طور که در جدول چهار مشاهده می‌شود، طبقه سوم جمعیتی نشانگر آن است که شش شهر با جمعیت ۵ تا ۲۵ هزار نفر وجود داشته است. از نکات مهم و قابل توجه در این جدول، درصد جمعیت شهری طبقه چهارم است که متشکل از نه شهر است و عمدتاً کمتر از پنج هزار نفر جمعیت دارند و در واقع ۵/۲ درصد جمعیت شهری را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی و تحلیل این جدول، بیانگر نقش غالب شهر بجنورد به عنوان مهمترین کانون شهری استان و نخست شهر بودن آن می‌باشد (جدول چهار).

جدول طبقات جمعیتی سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد طبقه جمعیتی شهرهای بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفر با ۴۱/۳ درصد جمعیت شهری در سال ۱۳۸۵ از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. مهم‌ترین علت افزایش تعداد شهرها در این طبقه، افزایش جمعیت شهرگره جاجرم بوده است. شهر گرمره و جاجرم به دلیل وجود مجتمع آلومینای جاجرم و به تبع مهاجرت‌های اغلب شهر به شهر و رشد طبیعی جمعیت شهر از رشد زیادی برخوردار بوده و ضریب جذب آن با ۱۷/۵۵ در سال ۱۳۸۵ در رتبه دوم جذب جمعیت در استان خراسان شمالی بوده است. ارقام جدول چهار نشان می‌دهد در خراسان شمالی در سال ۱۳۹۰، شهر بجنورد به تنهایی، بالای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشته است. در واقع ۴۴/۷ درصد جمعیت شهری استان را دارد. در

جدول ۴: طبقات جمعیتی شهرهای استان خراسان شمالی سال ۱۳۹۰

ردیف	طبقات جمعیتی	تعداد شهر	جمعیت	درصد
۱	شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر	۱	۱۹۹۷۹۱	۴۴/۷
۲	شهرهای بین ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفر	۲	۱۴۸۶۲۶	۳۳/۲
۳	شهرهای بین ۵ تا ۲۵ هزار نفر	۶	۷۴۷۷۱	۱۶/۷
۴	شهرهای کمتر از ۵ هزار نفر	۹	۲۳۶۷۸	۵/۲
جمع	-	۱۸	۴۴۶۸۶۶	۱۰۰

منبع: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن خراسان شمالی، ۱۳۹۰.

بحث و نتیجه‌گیری

آمده در تمام شاخص‌ها برای هر شهرستان نشان می‌دهد فاصله بجنورد به لحاظ میزان برخورداری از مواهب سیاسی-اقتصادی-فرهنگی و... از دیگر شهرستان‌ها چشمگیر و در حال افزایش است. بخشی از نابرابری در سلسله مراتب جمعیتی و ظهور پدیده نخست شهری بجنورد، نمود یافته است که با مدل رتبه-اندازه و با ارائه جدول سه و چهار این پدیده در شهرهای خراسان شمالی مورد تحلیل قرار گرفته است. از نگاه دیگر انجام کارکردهای تخصصی مانند، مبادلات ارز و کالا، اقدامات گمرکی، ایجاد و استقرار نمایشگاه بین‌المللی، بیمارستان تخصصی و... موجب کارکرد تخصصی مرکزیت ناحیه‌ای شده است. در این ارتباط، افزایش حوزه نفوذ و کشش اداری و مالی، نقش آفرینی سیاسی، سازماندهی ناحیه‌ای، کانون

یافته‌های پژوهش حاضر در جدول شماره دو، نشان می‌دهد شکاف و نابرابری بین شهرستان بجنورد با دیگر شهرستان‌ها از لحاظ تمرکز سرمایه و معیارهای توسعه محلی- ناحیه ای آشکار است و رویکرد سیاسی دولت در اجرای طرح تقسیمات کشوری، به نابرابری موجود بیشتر دامن زده است. بررسی‌ها و ارزیابی‌ها، بیانگر اهمیت جایگاه بجنورد در جذب مزایای ارتقایابی و رویکرد سیاسی دولت و به تبع آن تمرکز معیارهای توسعه محلی- ناحیه‌ای در آن بوده است. این رویه بر نابرابری ناحیه‌ای دامن زده که تعیین میزان Z شهرستان بجنورد با عدد ۸/۵۷ نشان از شکاف و نابرابری بین این شهرستان با دیگر شهرستان‌های استان و ناحیه دارد. میزان Z بدست

- ۲- استانداری خراسان شمالی. ۱۳۸۶. گزارش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان خراسان شمالی، نشریه شماره ۵. تابستان، بجنورد.
- ۳- اندرو، وینسنت. ۱۳۷۱. نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشریه، چاپ اول. تهران، نشرنی.
- ۴- بدری، سیدعلی، سعیدرضا اکبریان رونیزی، ۱۳۸۵. مطالعه تطبیقی کاربرد روش‌های سنجش توسعه یافتگی در مطالعات ناحیه‌ای، مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۴ شماره ۷. مشهد.
- ۵- پاپلی‌یزدی، محمد حسین و حسین رجبی سناجردی. ۱۳۸۲. نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران. انتشارات سمت.
- ۶- پیله‌ور، علی‌اصغر. ۱۳۹۲. جمعیت و شهرنشینی در استان خراسان شمالی، مشهد. انتشارات سخن گستر.
- ۷- پیله‌ور، علی‌اصغر. ۱۳۸۷. ارتقایابی مرکزیت ناحیه‌ای و تحولات ساختاری - کارکردی شهر: مورد بجنورد، پایان‌نامه دکتری، استاد راهنما حسن افراخته و ید... کریمی پور، دانشگاه خوارزمی. دانشکده ادبیات، گروه جغرافیا.
- ۸- پیله‌ور، علی‌اصغر. ۱۳۹۲. درآمدی بر اقتصاد سیاسی شهرنشینی ایران، تهران. انتشارات دانش نگار.
- ۹- حافظ نیا، محمدرضا، زهرا احمدی پور ومصطفی قادری حاجت. ۱۳۸۹. سیاست و فضا، چاپ اول، مشهد. انتشارات پاپلی.
- ۱۰- حاتمی‌نژاد، حسین و ناصر عبدی. ۱۳۸۶. اقتصاد سیاسی و فضای شهری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۷ و ۲۳۸، صص ۲۰۵-۱۹۶.
- ۱۱- موسوی، میرنجف و حسن حکمت نیا. ۱۳۸۳. بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد (۱۳۷۵-۱۳۵۵) مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۳، شماره ۴، پاییز و زمستان. صص ۱۱۲-۱۰۱. زاهدان.
- ۱۲- رضویان، محمدتقی. ۱۳۸۱. مدیریت عمران شهری، تهران. انتشارات پیوند نو.
- ۱۳- شکویی، حسین. ۱۳۸۵. اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ هشتم. تهران. نشر گیتاشناسی.
- ۱۴- شکویی، حسین. ۱۳۸۳. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران. انتشارات سمت.
- ۱۵- علی‌اکبری اسماعیل و محمد فرجی دارباخانی. ۱۳۸۵. شهرهای اداری - سیاسی و ناپایدار شهری، مورد

همگرایی شدن و غیره از عوامل اصلی در تعاملات بجنورد با شهرهای ناحیه در سلسله مراتب شهری بوده است. رویکرد دولت در ایجاد زیرساخت و ضرورت ساماندهی مجدد فضا نیز در شرایط کارکردپذیری جدید (مرکزیت استان) منجر به تمرکز و برخورداری از مواهب و مزایای مرکزیت‌یابی و تقدم آن بر بسترسازی جهت نقش‌پذیری ناحیه‌ای بجنورد شده است. چنین رویکردی در تمرکز نابرابری ناحیه‌ای و پیدایش کانون شهری مهم و پدیده نخست شهری نقش اساسی داشته است. رویکردسیاسی - امنیتی حکومت و دولت در گذشته و حال، به دلیل نزدیکی به مرزهای بین‌المللی شمال شرق و اهمیت یابی بجنورد بعنوان مهمترین کانون جمعیتی بعد از مشهد به تقویت جایگاه بجنورد به افزایش سطوح نابرابری بین بجنورد و دیگر شهرستان‌ها منجر شده است. یکی از دلایل مهم در تمرکزگرایی و مرکزیت‌یابی شهر بجنورد در ناحیه خراسان شمالی، دوری این شهر از مشهد (مرکز منطقه ای شمال شرق ایران) و گرگان (از شهرهای بزرگ و کانون همگرایی محلی - ناحیه‌ای) در استان‌های خراسان رضوی و گلستان است. بنابراین، پیشنهاد می شود درساماندهی مجدد فضای ناحیه‌ای باید رویکردی برنامه محور مبنا قرار گیرد تا تعادل بخشی به نواحی کمتر توسعه یافته همچون خراسان شمالی نوید بخش رشد و توسعه شهری - ناحیه‌ای باشد. لذا الگوی عملی که بتواند مجموعه خصوصیات توسعه و عدالت اجتماعی را در کنار هم و به صورت متوازن تأمین کند و یا حداقل دستیابی به تعداد بیشتری از خصوصیات مورد نظر را فراهم نماید همچون اجرای درست طرح توازن منطقه‌ای از سوی دولت و نیز توجه به اسناد آمایشی استان و کشور می‌تواند موثر باشد. چرا که با چنین رویکردی می‌توان به کاهش نابرابری شهری و ناحیه‌ای یا رشد و توسعه متوازن محلی - منطقه‌ای امید داشت.

منابع

- ۱- آسایش، حسین. ۱۳۸۱. جغرافیای اقتصادی ایران ۲ (صنعت، حمل و نقل و انرژی)، چاپ چهارم. تهران. انتشارات دانشگاه پیام نور.

- ۲۴- هنسن، نایلز، هیگنز، بنجامین و جی. ساوی، دانلد. ۱۳۷۶. سیاستگذاری منطقه‌ای در جهانی در حال دگرگونی، ترجمه: گروه مترجمان، زیر نظر پرویز اجلالی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، چاپ اول. تهران.
- ۲۵- هیل هورست، ژوزف. ۱۳۷۰. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ترجمه غلامرضا شیرازیان و دیگران، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- 26- Alain, R.A. 1999. Urbanization and town in the third world, London, SOAS, P. 31.
- 27- Kolbe Laura, 2004. Helsinki: From Provincial to National Centre " Twentieth Century Capital Cities " Rutledge Press, London and New York, pp.73-86.
- 28- Hawkes, M. and Kogan, M. 1992. Encyclopedian of Government and Political, Routledge Press, Vol. 2.
- 29- Rosati, D. 1999. Managing globalization with equity in united nation first global forum on human development. New York. p.30.
- 30- Pilehvar, A.A. 2007. "Partnership, A New Approach for the Urban Management of Iran, Case Study- Management of Mashhad Religious Metropolis". International Journal of Sustainable Development and Planning, 2 (4): 438.
- 31- Sonne, W. 2004. Berlin Capital under Changing Political Systems "Planning Twentieth Century Capital Cities, Rutledge Press, London and New York, pp. 196-212.
- سرآبله، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۳، شماره ۶، بهار و تابستان، ص ۱۶۱-۱۵۶.
- ۱۶- کاپوراسو، جیمز و دیوید، لوین. ۱۳۸۷. نظریه‌های اقتصاد سیاسی، ترجمه محمود عبدا... زاده، تهران، چاپ اول. انتشارات ثالث.
- ۱۷- کلانتری، خلیل. ۱۳۸۲. پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، تهران. انتشارات شریف.
- ۱۸- صباغ کرمانی، مجید. ۱۳۸۰. تجزیه و تحلیل نابرابری‌های منطقه ای اشتغال استان‌های کشور، مجله مدرس، دوره پنجم، شماره ۲، ص ۳.
- ۱۹- نظریان، اصغر. ۱۳۷۳. نظام سلسله مراتب شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، سال نهم، بهار، ص ۷۰. مشهد.
- ۲۰- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان خراسان شمالی، سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰. تهران
- ۲۱- محمدی، جمال. ۱۳۷۵. عوامل موثر بر گسترش کالبدی شهرها، اولین سمینار مشترک معماری و شهرسازی. ابنیه تاریخی، دانشگاه زنجان.
- ۲۲- موسوی، میرنجف. ۱۳۸۲. سنجش درجه توسعه یافتگی نواحی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، به راهنمایی دکتر کرامت‌ا... زیاری، دانشگاه یزد. دانشکده ادبیات، گروه جغرافیا.
- ۲۳- هاروی، دیوید. ۱۳۷۶. عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان، و همکاران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول. تهران.